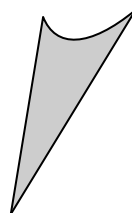


بررسی
قدرت شنیدن اموات
در پرتو قرآن و روایات



این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

آدرس ایمیل:

سایت‌های مفید

www.aqeedeh.com

www.nourtv.net

www.islamtxt.com

www.sadaislam.com

www.ahlesonnat.com

www.islamhouse.com

www.isl.org.uk

www.bidary.net

www.islamtape.com

www.tabesh.net

www.blestfamily.com

www.farsi.sunnionline.us

www.islamworldnews.com

www.sunni-news.net

www.islamage.com

www.mohtadeen.com

www.islamwebpedia.com

www.ijtehadat.com

www.islampp.com

www.islam411.com

www.videofarda.com

فهرست

۳	مقدمه
۴	شبهه سلام و قدرت شنوایی اموات
۴	معنی سلام از قرآن
۸	آیا مردگان بی جان می شنوند؟
۸	چرا «الموتی» و «الصم» با هم آمده اند؟
۱۰	داستان حضرت عزیر
۱۲	مرده از زنده خبر ندارد تا روز قیامت
۱۲	حروف (ما) و (من) چه فرقی دارند؟
۱۳	حضرت عیسی و بی اطلاعی از امتش تا زمان برانگیختن
۱۴	بی خبری انبیاء از این دنیا در زمان مرگشان
۱۵	مرده حس و شعور ندارد
۱۵	هدف از بعث و برانگیختن چیست؟
۱۷	شبهه عذاب قبر و ناشنوایی اموات
۱۸	اثبات عذاب قبر از قرآن

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

الحمد لله رب العالمين مالك يوم الدين، إن الحمد لله نحمده ونستعينه ونستغفره ونعوذ بالله من شرور أنفسنا ومن سيئات أعمالنا. من يهده الله فلا مضل له ومن يضلل فلا هادي له وأشهد أن لا إله إلا الله وأشهد أن محمداً عبده ورسوله. والصلاة والسلام على رسول الله محمد وعلى آله وصحبه أجمعين ومن تبعهم بإحسان إلى يوم الدين.

أما بعد:

مقاله حاضر جوابی راسخ در حق کسانی است که بدون آگاهی و فقط بنا به نظر و استنباط و بدون تأمل در آیات و احادیث آستین بدعت بالا زده و برای هر عبادتی که ساخته اند بهانه‌ای هم از جانب خود آورده و بدعتی به نام عبادت ساخته اند و نا آگاهانه دچار لغزش شده اند و گروهی هم ساده اندیش و مقلد را دنبال خود کرده اند که آن مبدعان خود سه گونه اند:

- ۱- در اثر علم کثیر و استفاده از تشابهات، شیطان بر آنها غلبه کرده و بدعت می‌کنند.
- ۲- نا آگاهانه و فقط بخاطر ترغیب و تنبیه در عبادات بدعت ساخته اند.
- ۳- بدلیل عدم علم کافی مسلمین، دشمنان دین برای آنها در لباس قرآن و حدیث عباداتی پدید آورده اند.

برای نمونه خواندن قرآن برای اموات و تلقین بر اموات و توسل و... از بدایعی هستند که برخی از عالمان بدلائیل فوق بوجود آورده اند. که تابحال از طرف بسیاری از عالمان و متخصصان رد شده اند من، نیز در مقاله‌ای تحت عنوان، اعجاز دیگر قرآن و حدیث/ توسل توحید حقیقی و... آنها را مطرح نموده ام. لکن شبهه‌ای که وجود دارد همانا شنیدن و نشنیدن اموات است. و ما هم می‌دانیم که هر روایتی مقبول نیست چه بسا روایاتی موضوع و مجهول وجود دارند که اثبات و رد آنها فقط از طریق قرآن امکان دارد.

ومن الله التوفيق

شبهه سلام و قدرت شنوایی اموات

وقتی از عدم قدرت شنوایی اموات سخن می‌گوییم یعنی اینکه اموات قدرت شنوایی ندارند. بعد از بیان آیات صریح در مقابل احادیث مشکوک، برخی این آیه کلام الله را بهانه کرده و می‌گویند که: در آیه (احزاب: ۵۶) می‌فرماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا

تَسْلِيمًا﴾ ﴿٥٦﴾ «خداوند و فرشتگانش بر پیغمبر درود می‌فرستند، ای مؤمنان! شما هم بر او درود بفرستید و چنان که باید سلام بگوئید».

البته همه مؤمنان در نماز بخش تشهد و تحیات، بر نبی اکرم ﷺ سلام عرضه می‌کنند (السلام عليك ايها النبي ورحمة الله وبركاته) و در آخرش هم صلوات می‌فرستند (اللهم صل على محمد وعلى آل محمد) که این خود مصداق این آیه است.

اگر مردگان نمی‌شنوند پس چرا بر آنها سلام می‌کنیم؟

برای جواب دادن به این سوال اول بایستی معنای واقعی «سلام» را روشن کنیم:

معنی سلام از قرآن

﴿يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ﴾ ﴿المائدة: ١٦﴾.

«خداوند با آن (کتاب) کسانی را به راههای امن و امان (از ترس و هراس دنیا و آخرت) هدایت می‌کند که جویای خوشنودی او باشند، و با مشیت و فرمان خود، آنان را از

تاریکیهای (کفر و جهل) بیرون می‌آورد و به سوی نور (ایمان و علم) می‌برد، و ایشان را به راه راست رهنمود می‌شود».

«السَّلام» آمن، محفوظ از خطر، دارای سلامتی جان و مال، مسلمة من العیوب. لا عیب فیها.

ابن عباس رضی الله عنهما: (مسلمة)، لا عوار فیها.

در آیات زیر هم همین معنا بکار رفته:

﴿قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَا ذَلُولٌ تُثِيرُ الْأَرْضَ وَلَا تَسْقِي الْحَرْثَ مُسَلَّمَةٌ لَا شِيَةَ فِيهَا

قَالُوا أَلَكِن جِئْتَ بِالْحَقِّ فَذَنِّبُوهَا وَمَا كَادُوا يَفْعَلُونَ ﴿٧١﴾﴾ [البقرة: ٧١].

القول فی تأویل قوله تعالی: ﴿مُسَلَّمَةٌ﴾

أبو جعفر: و معنى «مسلمة» «مفعلة» من «السلامة». يقال منه: «سلمت تسلم فهي مسلمة». (تفسیر ابن کثیر).

یعنی ریشه سلام همان سلامت و امنیت کامل می‌باشد از هر گونه شر و بدی و نگرانی.

﴿يَتَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتَيَّنُوا وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْفَىٰ إِلَيْكُمْ

السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا تَبْتَغُونَ عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ مَعَانِمٌ كَثِيرَةٌ

كَذَلِكَ كُنْتُمْ مِّن قَبْلُ فَمَنَّ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَتَيَّنُوا إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ

حَبِيرًا ﴿٩٤﴾﴾ [نساء: ٩٤].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که (برای جهاد) در راه خدا به مسافرت رفتید تحقیق کنید (که با چه کسانی می‌جنگید. آیا مسلمانند یا کافر) و به کسی که به شما سلام کرد (و سلام نشانه پذیرش اسلام است) مگوئید: تو مؤمن نیستی، و جویای مال دنیای (او) باشید. (بلکه سلام آنان را بپذیرید و پاسخ گوئید و بدانید) که در پیش خدا غنائم فراوانی است (و آن را برای شما تهیّه دیده است و بسی بهتر از ثروت و غنیمت دنیای فانی است). شما پیش از این، چنین بودید (و کفر را گردن نهاده بودید و جنگهای شما تنها انگیزه

غار تگری داشت) ولی خداوند بر شما منت نهاد (و نعمت اسلام را نصیبتان کرد) پس (به شکرانه این نعمت بزرگ) تحقیق کنید. بیگمان خداوند از آنچه می‌کنید باخبر است.»

حال با توجه به توضیحات بالا معلوم است اگر اندکی عربی را بدانیم عبارت «السلام عليك/ السلام عليكم و...» یک عبارت ساده نبوده و بلکه دعا می‌باشد یعنی سلامت و مصون باش (ید) از هر گونه بلا و عذاب. که این هم برای زندگان مقبول است و هم برای مردگان بسی نافع است چون

﴿وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ﴾ (حشر: ۱۰).

«کسانی که پس از مهاجرین و انصار به دنیا می‌آیند، می‌گویند: پروردگارا! ما را و برادران ما را که در ایمان آوردن بر ما پیشی گرفته‌اند بیامرز. و کینه‌ای نسبت به مؤمنان در دل‌هایمان جای مده، پروردگارا! تو دارای رأفت و رحمت فراوانی هستی.»

از ماندگان و زندگان مابعد می‌گوید که: برای گذشتگان خود دعای خیر می‌کنند پس دعای سلامت برای مرده و زنده بسیار مؤثر است زیرا پیامبر ﷺ نیز با زیارت قبور چنین می‌کردند. اول دعای سلامتی را برای آنها می‌خوانند «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الدِّيَارِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُسْلِمِينَ...»

نیز تاکید خداوند:

﴿يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّىٰ تَسْتَأْذِنُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَىٰ أَهْلِهَا ۚ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾ (نور: ۲۷). «ای مؤمنان! وارد خانه‌هایی نشوید که متعلق به شما نیست، مگر بعد از اجازه گرفتن (با زنگ زدن یا در کوبیدن و کارهایی جز اینها) و سلام کردن بر ساکنان آن. این کار برای شما بهتر است (از ورود بدون اجازه و سلام). امید است شما (این دو چیز را به هنگام رفتن به منازل دیگران رعایت و آنها را) در مد نظر داشته باشید.»

خداوند امر می کند در هنگام دخول به مکانی غیر از مکان خود که در آن اهلی باشند بعد از اجازه باید سلام کنید. اما چرا؟؟

جواب: زیرا همانگونه که گفتیم، سلام یعنی سلامتی، امنیت، صلح و... یعنی وقتی بر اهل سلام می کنی منظور تو از سلام آشکار کردن خود برای آن اهل است و دزدکی و مخفیانه به آنها وارد نمی شوی پس؛ با دادن سلام اعلام می کنی که آنها در امنیت هستند. زیرا معمولاً افرادی که قصد دستگیری فردی را دارند یا قصد آزار و اذیت کسی را داشته باشند ناگهان و بدون سلام وارد می شوند.

یا آیه (۶۱: نور).

﴿فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ حَيَّةً مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبْرَكَةً طَيِّبَةً﴾ «هر وقت داخل خانه ای شدید بر همدیگر سلام کنید، سلام پربرکت (و لبریز از خیر و ثواب فراوان، و تقویت کننده پیوند موجود میان دلهای مردمان، و درود) پاکی که به فرمان خدا مقرر است (و موجب صفا و صمیمیت می گردد)»

نیز تأکید زیاد رسول الله ﷺ خود دلیل بر اثبات همین موضوع است:

حَدَّثَنَا قُتَيْبَةُ قَالَ حَدَّثَنَا اللَّيْثُ عَنْ يَزِيدَ بْنِ أَبِي حَبِيبٍ عَنْ أَبِي الْخَيْرِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو أَنَّ رَجُلًا سَأَلَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ أَيُّ الْإِسْلَامِ خَيْرٌ؟ قَالَ: «تَطْعُمُ الطَّعَامِ وَتَقْرَأُ السَّلَامَ عَلَى مَنْ عَرَفْتَ وَمَنْ لَمْ تَعْرِفْ» (صحيح بخاری، باب افشاء سلام).

«از عبدالله بن عمر رضی الله عنهما روایت است که: شخصی از نبی اکرم ﷺ پرسید: اسلام چه کسی بهتر است؟ رسول خدا ﷺ فرمود: «اسلام کسی که به آشنا و بیگانه سلام گوید و طعام دهد»

«أَفْشُوا السَّلَامَ بَيْنَكُمْ» (صحيح مسلم / كتاب ايمان، باب: «بَيَانُ أَنَّهُ لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا الْمُؤْمِنُونَ») (ابوداود / ابن ماجه / نسائي / احمد / ابن شيبه - جزء ۶).

پس، بعد از طعام دادن دیگران، سلام دادن (طبق آیه ۶۱ / سوره نور) سبب برکت و رحمت است که آن برای هر کسی مرده یا زنده نیکو و خیر رسان است.

آیا مردگان بی جان می شنوند؟

﴿قَالَ هَلْ يَسْمَعُونَكُمْ إِذْ تَدْعُونَ﴾ (شعراء: ۷۲). «گفت: آیا هنگامی که آنها را به

کمک می خوانید، صدای شما را می شنوند؟»

﴿إِنَّكَ لَا تَسْمَعُ الْمَوْتَى وَلَا تَسْمَعُ الصُّمَّ الدُّعَاءَ إِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِينَ﴾ (نمل: ۸۰).

«بی گمان تو نمی توانی مرده را شنوا بگردانی، و ندای (دعوت خود) را به گوش کران

برسانی، وقتی که (به حق) پشت می کنند و (از آن) می گریزند.»

نکته: آیا کسی که از پشت او را صدا بزنند و نشنود با فرد کر و ناشنوا فرقی دارد؟

چرا «الموتی» و «الصم» با هم آمده اند؟

جواب: یک فرد کر (صم) اگر از جلو و مقابل او را صدا بزنی چه بسا از روی حرکات لب متوجه شده و پاسخ دهد اما اگر او را از پشت و وراء فریاد بزنی نمی شنود. چون اگر جانداری می شنود اولاً بخاطر نعمت گوش می باشد ثانیاً بخاطر نعمت چشم و عقل. اگر با گوش نشنود احتمال آن دارد که با دیدن حرکات لب متوجه شود. آیا مرده و بی جان که فاقد این دو نعمت است و بغیر از آن، موتور عقلش خاموش شده بدون دستور از سوی قلب و مغز توانایی شنیدن را دارد؟

بنابراین خداوند در آیه (۴۲/ یونس) می فرماید:

﴿وَمِنْهُمْ مَّنْ يَسْتَمِعُونَ إِلَيْكَ أَفَأَنْتَ تُسْمِعُ الصُّمَّ وَلَوْ كَانُوا لَا يَعْقِلُونَ﴾

«گروهی از آنان، گوش به سوی تو فرا می دهند آیا تو می توانی سخن خود را به گوش

کران برسانی هرچند نفهمند!»

بعبارت دیگر افراد کر و صم با دیدن و تعقل می‌توانند از روبرو بشنوند یعنی سخنان را درک کنند.

خداوند ﷻ نیز شنیدن را در گرو داشتن عقل به ما می‌شناساند.

﴿إِنَّمَا يَسْتَجِيبُ الَّذِينَ يَسْمَعُونَ وَالْمَوْتَىٰ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ ثُمَّ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ﴾ (أنعام:

۳۶). «تنها کسانی می‌پذیرند که می‌شنوند و خداوند مردگان را برمی‌انگیزد. و پس از زنده شدن به سوی او برگردانده می‌شوند».

در این آیه هم برای عاقلان اشارتی است که یکی اجابت دعوت میکند چون می‌شنود و یکی مرده است و با شنونده در کنار هم آمده (آیه فوق) تا عاقل بفهمد که مرده نمی‌شنود. چون در این آیه دو گروه آمده یکی لبیک گویند و شنویند و دیگری مردگانند و ناشنویند و مردگان تا برانگیختن شنوایی ندارند.

﴿وَمَا يَسْتَوِي الْأَحْيَاءُ وَلَا الْأَمْوَاتُ إِنَّ اللَّهَ يُسْمِعُ مَن يَشَاءُ وَمَا أَنتَ بِمُسْمِعٍ مَّن فِي

الْقُبُورِ﴾ (فاطر: ۲۲). «و مردگان و زندگان هم مساوی نمی‌باشند. خداوند هر کس را بخواهد شنوا می‌گرداند، و تو نمی‌توانی مردگان آرمیده در گورها را شنوا گردانی».

مرده وزنده برابر نیستند:

مسلماً در بسیاری از چیزها مرده و زنده مساوی نیستند اما در این آیه بعد از ذکر این موضوع از شنیدن و نشنیدن بحث شده است. یعنی در قبر رفتگان ناشنویند مگر آنکه خداوند ﷻ آنها را شنوا سازد.

مانند کفار جنگ بدر! که خداوند ﷻ بعنوان معجزه رسول گرامی اش ﷺ در آن لحظه آنان را شنوا ساخته بود. اما خداوند همیشه آنرا انجام نمی‌دهد بلکه این از بزرگی و منت اوست که در برخی موارد برای پیامبرانش سلام الله علیهم مانند جنگ بدر انجام می‌دهد:

۳۶۷۹ - حَدَّثَنِي عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ سَمِعَ رَوْحَ بْنَ عَبَادَةَ حَدَّثَنَا سَعِيدُ بْنُ أَبِي عَرُوبَةَ عَنْ قَتَادَةَ

قَالَ: ذَكَرَ لَنَا أَنَسُ بْنُ مَالِكٍ عَنْ أَبِي طَلْحَةَ أَنَّ نَبِيَّ اللَّهِ ﷺ أَمَرَ يَوْمَ بَدْرٍ بِأَرْبَعَةٍ وَعِشْرِينَ رَجُلًا مِنْ صَنَادِيدِ قُرَيْشٍ فَقَدَّفُوا فِي طُوبَىٍّ مِنْ أَطْوَأِ بَدْرٍ حَبِيثٍ مُخْبِثٍ وَكَانَ إِذَا ظَهَرَ عَلَى قَوْمٍ أَقَامَ بِالْعَرِصَةِ ثَلَاثَ لَيَالٍ فَلَمَّا كَانَ بَدْرُ الْيَوْمِ الثَّلَاثِ أَمَرَ بِرَاحِلَتِهِ فَشُدَّ عَلَيْهَا رَحْلُهَا ثُمَّ مَشَى وَاتَّبَعَهُ أَصْحَابُهُ

وَقَالُوا: مَا تُرَى يَنْطَلِقُ إِلَّا لِبَعْضِ حَاجَتِهِ حَتَّى قَامَ عَلَى شَفَةِ الرَّكِيِّ فَجَعَلَ يَنَادِيهِمْ بِأَسْمَائِهِمْ وَأَسْمَاءِ آبَائِهِمْ يَا فُلَانُ بِنَ فُلَانٍ وَيَا فُلَانُ بِنَ فُلَانٍ! أَيَسْرُكُمْ أَنْتُمْ أَطَعْتُمْ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّا قَدْ وَجَدْنَا مَا وَعَدْنَا رَبُّنَا حَقًّا فَهَلْ وَجَدْتُمْ مَا وَعَدَ رَبُّكُمْ حَقًّا قَالَ: فَقَالَ: عُمَرُ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا تُكَلِّمُ مِنْ أَجْسَادٍ لَّا أَرْوَاحَ لَهَا فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ مَا أَنْتُمْ بِأَسْمَعَ لِمَا أَقُولُ مِنْهُمْ» قَالَ قَتَادَةُ: أَحْيَاهُمْ اللَّهُ حَتَّى أَسْمَعَهُمْ قَوْلَهُ تَوْبِيخًا وَتَصْغِيرًا وَتَقِيمَةً وَحَسْرَةً وَنَدَمًا» (رواه البخاری).

«ابوطلحه رضی اللہ عنہ می گوید: نبی اکرم صلی اللہ علیہ و آله و سلم روز بدر، دستور داد تا (جسد) بیست و چهار نفر را از سران قریش را در یکی از چاه های کثیف و متعفن بدر بیندازند. و عادت رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله و سلم این بود که هر گاه بر قومی پیروز می شد، سه شب در میدان جنگ می ماند. بدین جهت، روز سوم جنگ بدر، دستور داد تا شترش را جهاز کنند. سپس براه افتاد و صحابه نیز بدنبالش براه افتادند. آنها می گویند: ما فکر می کردیم که برای انجام کاری می رود. ولی آنحضرت صلی اللہ علیہ و آله و سلم به مسیرش ادامه داد تا اینکه کنار آن چاه ایستاد و هر یک از کشته شدگان را با نام و نام پدرش صدا می زد و می فرمود: «ای فلان بن فلان! و ای فلان بن فلان! آیا بهتر نبود که از خدا و رسولش، اطاعت می کردید؟ همانا ما به آنچه که پروردگارتان وعده داده بود، رسیدیم. آیا شما هم به آنچه پروردگارتان وعده داده بود، رسیدید؟»

راوی می گوید: عمر گفت: ای رسول خدا! با اجسادى که روح ندارند، سخن می گویی؟ رسول الله صلی اللہ علیہ و آله و سلم فرمود: «سوگند به ذاتی که جان محمد در دست اوست، شما سخنان مرا بهتر از آنان نمی شنوید» قتاده میگوید: خداوند آنها را زنده ساخت تا که فرموده های رسول الله صلی اللہ علیہ و آله و سلم را بشنوند، و [این زنده ساختن آنها] فقط بخاطر توبیخ و سرزنش و تذلیل، حسرت و پشیمان ساختن آنها بود.

داستان حضرت عزیر

﴿أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَى قَرْيَةٍ وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا قَالَ أَنِّي يُحْيِي هَذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا ط
فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ ط قَالَ كَمْ لَبِثْتُ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالَ بَل ط

لَبِثَتْ مِائَةَ عَامٍ فَأَنْظَرُ إِلَى طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ لَمْ يَتَسَنَّهْ وَأَنْظَرُ إِلَى حِمَارِكَ وَلِنَجْعَلَكَ
 آيَةً لِلنَّاسِ وَأَنْظَرُ إِلَى الْعِظَامِ كَيْفَ نُنشِرُهَا ثُمَّ نَكْسُوهَا لَحْمًا فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ
 قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٢٥٩﴾ (بقره: ۲۵۹).

«همچون کسی که از کنار دهکده‌ای گذر کرد، در حالی که سقف خانه‌ها فرو تپیده بود و دیوارهای آنها بر روی سقفها فرو ریخته بود؛ گفت: چگونه خدا این (اجساد فرسوده و از هم پاشیده مردمان اینجا) را پس از مرگ آنان زنده می‌کند؟ پس خدا او را صد سال میراند و سپس زنده‌اش گرداند و (به او) گفت: چه مدت درنگ کرده‌ای؟ گفت: (نمی‌دانم، شاید) روزی یا قسمتی از یک روز. فرمود: (نه) بلکه صد سال درنگ کرده‌ای. به خوردنی و نوشیدنی خود (که همراه داشتی) نگاه کن (و ببین که با گذشت این زمان طولانی به اراده خدا) تغییر نیافته است. و بنگر به الاغ خود (که چگونه از هم متلاشی شده است. ما چنین کردیم) تا تو را نشانه (گویائی از رستاخیز) برای مردمان قرار دهیم. (اکنون) به استخوانها بنگر که چگونه آنها را برمی‌داریم و بهم پیوند می‌دهیم و سپس بر آنها گوشت می‌پوشانیم. هنگامی که (این حقائق) برای او آشکار شد، گفت: می‌دانم که خدا بر هر چیزی توانا است».

سوال: آیا حضرت عزیر رضی الله عنه تا زمانی که برانگیخته شد از چیزهایی که در زمان مرگش روی داده بود اطلاع داشت؟ در حالی که وقتی خداوند جل جلاله از وی سوال می‌کند چقدر در

خواب بوده‌ای، جواب داد: ﴿لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ﴾ روزی یا چندی روز!!

این بزرگوار مدت صد سال ندانست چه شده، حال برخی بنا به استدلال چند حدیث که احتمال موضوع بودن آنها هست می‌گویند: مرده از اوضاع زائر با خبر است.

مرده از زنده خبر ندارد تا روز قیامت

﴿وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّن يَدْعُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ مَنْ لَا يَسْتَجِيبُ لَهُ إِلَى يَوْمِ الْفَيْمَةِ وَهُمْ عَنِ دُعَائِهِمْ غَفْلُونَ﴾ (احقاف: ۵).

«چه کسی گمراه‌تر از کسی است که افرادی را به فریاد بخواند و پرستش کند که (اگر) تا روز قیامت (هم ایشان را به فریاد بخواند و پرستش کند) پاسخش نمی‌گویند؟ (نه) تنها پاسخش را نمی‌دهند، بلکه سخنانش را هم نمی‌شنوند) و اصلاً آنان از پرستشگران و به فریاد خواهندگان غافل و بی‌خبرند.»
نکته:

حروف (ما) و (من) چه فرقی دارند؟

کلمه استفهام (ما) برای اشیاء و غیر انسان بکار می‌رود؛ مانند، «ما لون؟» (کدام رنگ؟) اما کلمه (من) برای تعریف انسان بکار می‌رود؛ مانند، «من ذهب؟» (چه کسی رفت؟) در این آیه هم وقتی از نداکنندگان و عابدین من دون الله بحث میکند از (من) استفاده میکند تا افراد متقی بدانند، دون الله فقط بت و اشیاء نیستند بلکه هر چیزی غیر خدا باشد هم از اشیا (ما) و هم از انسان (من) شامل دون الله است.

خداوند به ما می‌فهماند که کسانی که صدا زده می‌شوند ﴿مَنْ لَا يَسْتَجِيبُ﴾ تا روز قیامت جواب نمی‌دهند. و از زندگان خبری ندارند و غافل از زندگان هستند.

حضرت عیسی و بی اطلاعی از امتش تا زمان برانگیختن

﴿وَإِذْ قَالَ اللَّهُ يَعْيسَى ابْنَ مَرْيَمَ ءَأَنْتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ اتَّخِذُونِي وَأُمِّيَ إِلَهَيْنِ مِن دُونِ اللَّهِ ۗ قَالِ سُبْحَانَكَ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أَقُولَ مَا لَيْسَ لِي بِحَقِّ ۚ إِن كُنتُ قُلْتُهُ فَقَدْ عَلِمْتَهُ ۚ تَعَلَّمُ مَا فِي نَفْسِي وَلَا أَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِكَ ۚ إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ ﴿۱۱۶﴾﴾ (مائده: ۱۱۶).

«و (خاطرنشان ساز) آن گاه را که خداوند گفت: ای عیسی پسر مریم! آیا تو به مردم گفته‌ای که جز الله، من و مادرم را هم دو خدای دیگر بدانید (و ما دو نفر را نیز پرستش کنید؟). عیسی می گوید: تو را منزّه از آن می دانم که دارای شریک و انباز باشی. مرا نسزد که چیزی را بگویم (و بطلبم که وظیفه و) حق من نیست. اگر آن را گفته باشم بیگمان تو از آن آگاهی. تو (علاوه از ظاهر گفتار من) از راز درون من هم باخبری، ولی من (چون انسانی بیش نیستم) از آنچه بر من پنهان می داری بی خبرم. زیرا تو داننده رازها و نهانیهای (و از خفایا و نوایای امور باخبری)»

تا روز حساب حتی انبیاء عليهم السلام از آنچه پس از مرگشان روی داده باخبر نیستند مانند داستانهای فوق که در قرآن آمده. از حضرت عیسی عليه السلام در روز حساب سوال می شود که آیا تو به امت فرمان دادی تا تو و مادرت را پرستش کنند و او بیان می دارد که از آن بی خبر است ﴿مَا يَكُونُ لِي أَنْ أَقُولَ مَا لَيْسَ لِي بِحَقِّ﴾

بی خبری انبیاء از این دنیا در زمان مرگشان

﴿يَوْمَ سَجَمَعُ اللَّهُ الرُّسُلَ فَيَقُولُ مَاذَا أُجِبْتُمْ قَالُوا لَا عِلْمَ لَنَا إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّمُ الْغُيُوبِ﴾

(مائده: ۱۰۹).

«آن روزی که خداوند پیغمبران را (در پیشگاه خود) گرد می آورد و بدیشان می گوید: به (دعوت) شما چه پاسخی داده شده است؟ (آیا ملتھائی که به سوی آنان فرستاده شده اید چگونه از دعوت شما استقبال کرده اند و به چه راهی رفته اند؟ راه ایمان یا راه انکار پیموده اند؟). می گویند: ما را هیچ گونه آگاهی و دانشی نیست تو خود (علاوه از ظواهر) از تمام خفایا آگاهی.»

در این آیه آمده که در روز حساب وقتی انبیاء عَلَيْهِمُ السَّلَامُ را جمع میکنند به آنها گفته می شود: تا از اوضاع پس از مرگشان از دین امتشان بازگو کنند، اما آنان می گویند: ﴿قَالُوا لَا عِلْمَ لَنَا﴾ هیچ علمی ندارند.

مرده حس و شعور ندارد

﴿أَمْوَاتٌ غَيْرُ أَحْيَاءٍ وَمَا يَشْعُرُونَ أَيَّانُ يُبْعَثُونَ﴾ (نحل: ۲۱).

«مردگانی که غیر از زندگان و خصوصیات زنده ها هستند و حس و شعوری ندارند تا آن که برانگیخته شوند».

در این مورد بت پرستان شبهه‌ای دیگر دارند، و آن این است که این آیه در مورد بت های سنگی است نه درباره اولیاء و انبیاء. جواب آن را در ذیل مفصل توضیح می دهیم:

سوال:

هدف از بعث و برانگیختن چیست؟

﴿إِنَّمَا يَسْتَجِيبُ الَّذِينَ يَسْمَعُونَ وَالْمَوْتَى يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ ثُمَّ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ﴾ (انعام:

۳۶).

«تنها کسانی (دعوت تو را) می پذیرند که گوش شنوا دارند (و از روی تدبیر و تفکر سخنان را می شنوند. اما اینان مردگان زنده نما هستند) و خداوند مردگان (چون ایشان را به هنگام رستاخیز از گورها) برمی انگیزد. و پس از زنده شدن به سوی او برگردانده می شوند (و مورد بازخواست قرار می گیرند و سزا و جزای خود را می بینند».

در (انعام: ۳۶) آمده که بعد از برانگیختن به سوی او باز میگردیم، اما چرا؟

﴿يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوا أَحْصَاهُ اللَّهُ وَنَسُوهُ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ

شَهِيدٌ﴾ (مجادله: ۶).

«روزی خدا همگان را زنده می گرداند و آنان را از کارهایی که کرده اند آگاه می سازد. کارهایی که ایشان آنها را فراموش کرده اند، ولی خداوند آنها را شمارش کرده است (و به حساب آنان گرفته است). خدا حاضر و ناظر بر هر چیزی است».

حال با توجه به آیه محکم و صریح مجادله آشکار است که هدف از برانگیختن رسیدگی به حسابها می باشد و میزان کردن اعمال و تسویه حساب افعال.

اما آیا بتها حساب دارند؟ مگر بتها عملی یا فعلی انجام می دهند تا مورد بازخواست قرار گیرند، چه شر باشد یا چه خیر؟

پس جواب چنین است که این روز برای آدم و انس است تا به اعمالشان رسیدگی شود نه برای بی جانها (بتهای سنگی)!!

شبهه عذاب قبر و ناشنوایی اموات

آیا تا بحال برایت پیش نیامده که خواب وحشتناکی ببینی و در خوابت آسیبی به تو وارد شده باشد در آن حال از خداخواستی هر طور شده نجات یابی؟ چه بسا بسیاری از مردم از خوابهای اضطراب آور دیده اند و زمانی که بیدار شده اند آرام گرفته و خوشحال از اینکه خواب بوده نه واقعیت! برخی میگویند: اگر مردگان نمی شنوند پس عذاب قبر معنا ندارد، آیا در آن لحظه که فرد خواب دیده در حال دیدن خواب بود اگر صد کس او را صدا می زد می شنید؟ در حالیکه به کرات ما تجربه کرده ایم و دیده ایم که در خواب عذاب سختی دیده ایم وقتی ما را بیدار کرده اند و از رفتار ما خبر داده اند خیلی هم خندیده ایم چون آنچه دیگران میگویند، اصلاً در عالم بیداری انجام نمی دهیم مثلاً دیگران که ما را بیدار کرده اند می گویند که: ما گفته ایم: «سوختم سوختم» ولی وقتی از ما می پرسند اصلاً چیزی یادمان نیست.

در حالی که در وقت دیدن خواب از خدا می خواستیم که هر طوری شده از آن مصیبت نجات یابیم.

پس نشنیدن صدای دیگران، نشانه نبودن و یا بی عذاب بودن نیست بلکه انسان وقتی میمیرد از خصوصیات این جهان خارج می شود. عذاب و مصیبتی که در خواب می بینیم شاید در یک ثانیه و یا کمتر و بیشتر باشد اما در عالم خواب گویا زمان اصلاً نمی گذشت و مثل سالها و روزها و زمانها طولانی بودند.

برای نمونه فردی مجروح شده و توان برخاستن ندارد و با چشمش می بیند که آتشی به سوی او می آید پس یک لحظه برایش مانند سال طولانی میگردد. اما خیلی تلاش میکند بلکه بدنش از آن آتش دور گردد.

در آن لحظه اگر صد بار او را صدا بزنی چه بسا اصلاً متوجه نمی شود و در فکر نجات خود می باشد. اگر هم بعد از نجاتش از او بپرسی چرا جواب نمی دادی با تعجب می گوید:

اصلا او را صدا نزده اید و... بنابراین شنیدن و نشنیدن اموات ربطی به عذاب داشتن و نداشتن نیست.

اثبات عذاب قبر از قرآن

﴿النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا^ط وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ﴾ (غافر: ۴۶).

«و آن آتش دوزخ است که بامدادان و شامگاهان آنان بدان عرضه می شوند. (این عذاب برزخ ایشان است) و اما روزی که قیامت برپا می شود (خدا به فرشتگان دستور می دهد) خاندان فرعون (و پیروان او) را به شدیدترین عذاب دچار سازید.»
حال برای تفسیر آیه به تفاسیر مشهور که از روایات نبی ﷺ استفاده نموده اند بهره می بریم:

۱- تفسیر طبری:

حدثنا محمد بن بشار، قال: ثنا عبد الرحمن، قال: ثنا سفیان، عن أبي قيس، عن الهذيل بن شرحبيل، قال: أرواح آل فرعون في أجواف طير سود تغدو وتروح على النار، وذلك عرضها.
حدثنا محمد، قال: ثنا أحمد، قال: ثنا أسباط، عن السدي، قال: بلغني أن أرواح قوم فرعون في أجواف طير سود تعرض على النار غدوًا وعشيًا.

بعبارت دیگر این ارواح هستند که در عذاب برزخ آزار می بینند.
نکته:

وقتی یک پزشک بخواهد تیغی از بدن شخصی خارج کند بدنش را بی حس میکند و فرد آنرا نگاه کرده بدون اینکه کمترین دردی احساس کند. یا اگر انگشتی قطع شود هر کاری با آن قطعه انگشت انجام بدهند آزاری به فرد نمی رسد. اما برعکس اگر به فردی

خبری (حتی دروغ) درباره آزار مثلاً نیش زنبور بدهند اگر هیچ وقت زنبور وی را نیش نزده باشد به محض اینکه زنبوری به او نزدیک شود درد را احساس کرده و می‌خواهد خود را از دست زنبور برهاند که این درد مافوق آزاری است که از نیش زدن زنبور حاصل می‌شود، چون تا قبل از نیش زدن زنبور هر طور شده در صدد دفاع بر می‌آید اما وقتی زنبور نیش می‌زند بعد از مدت زمانی خوب شده و تمام می‌شود و دیگر دردی ندارد. بلکه فرار از آزار نیش زنبور حتی در خواب هم او را اذیت میکند و فرد مصدوم دچار اضطراب و درد روانی می‌گردد.

بعبارت دیگر چون پوست بدن بسوزد خیلی درد دارد اما بعد از سوختن کامل دیگر اگر پوست را بکنی دردی ندارد در همان حال همان فرد، اگر بر بدنش آتش را نزدیک کنی فریاد زده و داد و هوار راه می‌اندازد تا از آزاری که به او وارد نشده خلاص شود. در این آیه هم اشاره شده که عذاب بر آنها عرضه می‌شود نه اینکه داخل آتش گردند که این نوع عذاب تا وقتی بطور دائم به آن انداخته شوند چه بسا خیلی دشوار است هر روز تا نزدیک آتش بگردی ای بسوزی یا ای دور شوی!!!! خداوند ما را از این عذاب و عذاب نار بدور دارد.

۲- تفسیر ابن کثیر/ باب ۴۱ / جزء ۷ / صفحه ۱۴۶

۳- تفسیر البحر المحیط / باب ۴۱ / جزء ۹ / صفحه ۴۲۱

۴- زاد المسیر / باب ۴۱ / جزء ۵ / صفحه ۲۹۴

۵- تفسیر البیضاوی / باب ۲۷ / جزء ۵ / صفحه ۱۳۰

۶- النکت والعیون / بابا ۴۱ / جزء ۴ / ۳۹

۷- الدر المنثور / باب ۴۶ / جزء ۹ / صفحه ۸

۸- تفسیر الخازن / باب ۴۱ / جزء ۵ / صفحه ۳۳۵

۹- تفسیر الثعالبی / باب ۴۱ / جزء ۳ / صفحه ۳۴۶

۱۰- تفسیر مقاتل / باب ۴۴ / جزء ۳ / صفحه ۱۸۷

۱۱- البحر المدید / باب ۱۶۹ / جزء ۱ / صفحه ۳۶۳

- ۱۲- تنویر المقباس / باب ۴۵ / جزء ۱ / ۴۹۲
- ۱۳- الوسیط لسید طنطاو / باب ۳۶ / جزء ۱ / صفحه ۳۷۰۷
- ۱۴- ایسراف التفسیر للجزائری / باب ۴۱ / جزء ۳ / ۴۵۵
- ۱۵- معانی القرآن / جزء ۶ / ۲۲۸
- ۱۶- تفسیر القرآن... / ارواحهم فی صدر طیر سود / جزء ۶ / ۱۳۶
- ۱۷- بسیاری دیگر از تفاسیر ... از حوصله بحث خارج است. /
اگر در تمام تفاسیر فوق تحقیق کنی به یقین می توان حقیقت را یافت.

وصلی الله علی رسولہ محمد وآلہ وأصحابہ ومن دعا بدعوته إلی یوم الدین.